



مطالب مندرج در " گانه نامه کنترل کارگری " می تواند مغایر با مواضع این نشریه باشد

تجربه شوراهای و کنترل کارگری در انقلاب



شد و در مسیر تکاملی خود به حرکات اعتراضی گسترده، اعتصابات توده ای و اعتصاب عمومی سیاسی ارتقا یافت. نطفه شوراهای در دوران اعتصاب عمومی سیاسی بسته شد. آخرین مراحل اعتصاب سیاسی عمومی، سرآغاز رشد جنبش شورانی است که از ماههای قبل از قیام مسلحانه بهمن تا ماهها پس از به حاکمیت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی ادامه می یابد. شوراهای کارگری، شوراهای دهقانی، شوراهای در ارتش، محلات و... سربرمی آورند و جلوه های بارزی از اعمال قدرت توده ای را به نمایش می گذارند، اما امان نمی یابند که مسیر تکامل خود را به پیمایند. عوامل زمینه ساز به حاکمیت رسیدن جمهوری اسلامی و خود اعمال حاکمیت این رژیم ارتجاعی سبب می گردند که شوراهای پمنا به ابزار اعمال قدرت توده ای از مضمون واقعی خود تهی گردند، زوال یابند و نابود شوند.

مهمترین خصیصه انقلاب بهمن، همگانی بودن آن است. عموم توده های مردم، همچون توده ای بی شکل بدون سازماندهی و بدون آگاهی برای سرنگون ساختن رژیم شاه پنا خاسته بودند. کثرت عظیم خرده بورژوازی، ضعف شدید آگاهی طبقه کارگر، عدم پیوند جنبش کارگری با جنبش کمونیستی و سلطه سالها خفقان و دیکتاتوری بر جامعه، همگی سبب شده بودند، طبقه کارگر نتواند با هویت مستقل طبقاتی خود در انقلاب شرکت کند و در جنبش خرده بورژوازی

انقلاب سال ۵۷، این عظیم ترین رویداد تاریخ معاصر ایران، در عرصه های گوناگون تجارب و آموزشهای ارزشمندی را برای پرولتاریای انقلابی ایران و پیشروان آن برجای گذارد. طبقه کارگر و پیشروان این طبقه تنها در صورتی قادر خواهند بود در انقلاب قریبالوقوع، نقش واقعی خود را ایفا نمایند که تجارب انقلاب ۵۷ را عمیقاً درک کنند و آنرا بکار بندند. یکی از این تجارب، روی آوردن توده ها به عمل مستقیم انقلابی و ایجاد ارگانه های اعمال قدرت توده ای و کنترل کارگری، یعنی شوراهای بود. تاکید بر جنبش شورانی و دست آوردهای آن بویژه از آن رو ضروری است که امروزه برخی از سازمانها سیاسی که مدعی مارکسیسم - لنینیسم هستند، برای حقانیت بخشیدن به خط مشی که خود در انقلاب و حفظ سلطه بورژوازی و نهادها و موسسات بورژوازی، به این سفسطه متوسل می شوند که طبقه کارگر ایران فاقد توانایی و آمادگی لازم برای ایجاد یک حکومت شورانی است. مروری بر تجربه ایجاد شوراهای در سال ۵۷ (با وجود محدودیت منابع) ماهیت سراپا کذب این توجیها ت را روشن می سازد.

اوجگیری جنبش شورانی در انقلاب و تشکیل شوراهای در کارخانه ها، روستاها، سرباز خانه ها، محلات و موسسات مختلف محصول تکامل یک دوره از مبارزات توده ای بود که از حرکات منفرد و جرقه های کوچک مبارزات توده ای بر سر مطالبات اقتصادی و سیاسی آغاز

می دادند. در این دسته از کارخانه جات اغلب شوراهای، کنترل را بدست گرفتند. با راه اندازی تولید، بازگرداندن کارگران اخراجی دوران شاه و... قدرت خود را بنمایش گذاردند. در برخی از این واحدها همچون فسان، ساراول و پی یو، کنترل کارگری تحت نام سندیکا اعمال می شد، شوراهای کارگری پس از به قدرت رسیدن دولت موقت و اعلام پایان اعتصاب، همچنان مصرانه خواهان ملی شدن صنایع، اخراج عناصر ضدکارگری و کنترل شورب تولید و فروش بودند. جنبش شورانی رفته رفته چنان اوج می گرفت که حکومتیبه انواع شیوه ها متوسل شد تا کنترل کارخانه ها را از چنگ کارگران خارج کند. نطق بازرگان نخست وزیر وقت درباره روحیات و خواستههای کارگران در این دوره، عمومیت پدیده شورا را بازتاب می دهد: " میخوانند صاحب کارخانه باشند، همه کاره باشند، تکلیف مدیریت کارخانه و همه چیز را معین کنند و یا رئیس اداره را آنها انتخاب کنند و غیره. "

تصرف کارخانه به وسیله کارگران الترناتیوی است
درمقابل نظام سرمایه داری

کارگران صنعت نفت ، پیشتان کنترل کارگری

برجستگی مبارزات نفتگران در انقلاب، تنها به نقش آنان در تعمیق و گسترش مبارزات در مرحله اعتصاب عمومی سیاسی منحصر نبود. کارگران صنعت نفت در کاربرد اشکال عالیتر مبارزه نیز پیشتان بودند همان عواملی که سبب شد صنعت نفت در جریان اعتصاب عمومی سیاسی و وارد نمودن ضربات کاری بر پیکر فرتوت رژیم پهلوی بدرخشد، در مرحله بعدی نیز نفتگران را قادر ساخت به لحاظ درجه تشکل و آگاهی و عمق مبارزات و تاثیرگذاری بر کل جنبش کارگری در صدر قرار گیرند، نفتگران که در جریان اعتصاب عمومی سیاسی در ماههای قبل از قیام با توجه به سطح آگاهی نسبی و سابقه مبارزاتییشان، قادر شدند با قطع شاهرگ حیاتی رژیم پهلوی، آنانرا به زانودر آورند، در پیاداشتن شوراهای کارگری و برقراری کنترل کارگری نیز، تجارب ارزنده ای برای جنبش کارگری ایرانبرجای گذارند.

حرکت کارگران صنعت نفت در اواخر تابستان سال ۱۳۵۷ شروع شد. این حرکت به تدریج تا پانیز سال ۵۷ ، بیک حرکت سیاسی در سراسر صنعت نفت انجامید، نفتگران در آبانماه سال ۵۷ با خواستههای : ۱- لغوه حکومت نظامی ، ۲- آزادی زندانیان سیاسی و ۳- اخراج کارشناسان خارجی دست به اعتصاب زدند، این اعتصابات توسط کمیته های اعتصاب هدایت می شد که در ۲۲ مهر در پالایشگاه آبادان، در ۳۰ مهر در صنعت نفت اهواز و در همین روزها در سایر مراکز نفتی ایجاد شده بودند. در این مقطع کمیته های اعتصاب، تظاهرات، راهپیمانی ها و اعتصابات را در صنعت نفت رهبری می کردند، اینان علاوه بر سازماندهی و هماهنگی اعتصاب، همچون قدرتی خودمختار با وزرا و مقامات حکومتی (از جمله با انصاری مدیرعامل نفت در زمان شاه) وارد مذاکره می شدند، و بدون توجه به تهدیدات دولت، از صدور نفت جلوگیری کردند، میزان تولید نفت را کاهش داده و سپس بطور کلی قطع نمودند. با جمعیت حقوقدانان، نمایندگان جمعیت های خارجی و... بطور رسمی وارد مذاکره شدند و برخی از روسای دولتی را اخراج نمودند. در مجموع بدون نظر موافق کمیته اعتصاب، کمتر اقدام صنفی ویا سیاسی در صنعت نفت امکانپذیر بود. در دیماه سال ۵۷، کمیته های اعتصاب نفت، به لحاظ

مستغرق گردید. خرده بورژوازی ابتکار عمل را در دست گرفته بود و طبقه کارگر آرام آرام در پس آن گام برمی داشت. اعتصابات کارگری در بهار سال ۵۷ وسعت می گیرد، این اعتصابات بر سر مطالبات ملموس روزمره اقتصادی، بدون پیوند با اعتصابات سایر کارخانجات، خود بخودی و عموماً کوتاه مدت هستند. ۱۷ شهریور بمثابه نقطه عطفی در مبارزات توده ای، روند روی آوری کارگران به طرح خواسته های سیاسی و گسترش مبارزات سیاسی آنان را شدت می بخشد. پس از ۱۷ شهریور مبارزات کارگران بویژه در واحدهای صنعتی بزرگ به مرحله نوینی وارد می شود، اعتراضات، اعتصابات طولانی مدت، کمکاری، میتینگ و تظاهرات در خیابانها، به پدیده شایعی در حرکت کارگران تبدیل می شود. کارگران تراکتورسازی تبریز، راهن و ماشین سازی اراک و کارگران برخی از کارخانه های تهران، با شعار " اتحاد، مبارزه، پیروزی " به راهپیمانی در خیابانها می پردازند. در این مقطع اعتصابات گسترش چشمگیری می یابند، علاوه بر کارخانه ها، دانشگاهها، مدارس، پست و تلگراف، راه آهن، باتکها، دخانیات، ادارات، همه و همه در اعتصاب بسر می بردند، اعتصاب عمومی سیاسی از راه می رسید، پیوستن کارکنان صنعت نفت به اعتصاب، شور و شوق اعتصابیون را چند برابر می کند. شعارها و مطالبات مستقیماً سیاسی است، اعتصابات گسترش بیشتری می یابند، در تمام واحدهای صنعتی بزرگ و در بسیاری از کارخانه های کوچکتر، در مونسسات و غیره کمیته های اعتصاب شکل گرفته اند، لغو حکومت نظامی، آزادی زندانیان سیاسی، انحلال ساواک، تعقیب و مجازات عاملین کشتارها و برقراری جمهوری، خواستههای عمومی اعتصاب کنندگان هستند.

در این مقطع طبقه کارگر علیرغم شرکت فعال در مبارزات، فاقد استقلال طبقاتی است. تنها گاه گاهی و آنهم بصورت جرقه ای، نشانه هایی از استقلال و نافرمانی از فرامین " رهبری " دیده می شود، پاسخ اولیه نفتگران به پیشنهاد بازرگان نماینده " امام " در مورد تولید نفت، راه پیمانی کارگران تراکتورسازی تبریز بسوی شهر با موضعگیری و شعارهای مشخص طبقاتی که توسط پیشروان سازمان یافته بود و موارد مشابه، در این زمره اند. در آستانه قیام بهمن، همبستگی کارگران با مبارزات کارگران دیگر کارخانه ها و سهم دانستن خود در این مبارزات گسترش می یابند. حتی در این زمان کارگران پیشرو برای اعلام همبستگی و یا شرکت در مبارزات کارگران واحدهای دیگر، دست به مسافرت های طولانی می زنند. در این مقطع نفتگران با سازماندهی خود در " سندیکای مشترک کارکنان نفت " برای رهبری اعتصاب و اعمال کنترل بر صنعت نفت، موجودیت تشکلی توده ای با اهداف نسبتاً روشن را اعلام می کنند. در این مرحله است که نطفه شوراهای بمثابه ارگانه های اقتدار کارگری بسته می شود، شوراهای بمثابه محصول تکامل این مرحله از مبارزه و برای اعمال قدرت انقلابی در کارخانه ها، از درون اعتصاب عمومی سیاسی سر برمی آورند.

پس از قیام مسلحانه بهمن ماه، شوراهای به سرعت و با وسعت زیادی در اغلب کارخانه جات تشکیل شدند. در عموم واحدهای بزرگ صنعتی، آنجا که کمیته های اعتصاب شکل گرفته بود، کارگران آگاه و کمونیست در آن نقش داشتند، به سرعت شوراهای شکل گرفتند، کارگران در انتخاباتی بالنسبه دمکراتیک نمایندگان خود را برگزیدند و اغلب این شوراهای کنترل امور کارخانه را بدست گرفتند، در واحدهایی که مالکین و مدیران، کارخانه را بسته بودند، بازگشایی و راه اندازی کارخانه، بازگشت کارگران به کارخانه، اخراج عناصر مزدورو پرداخت دستمزد عقب افتاده، عمده ترین مطالبات کارگران را تشکیل

فرستاده شود و با توجه به تعداد کل کارکنان صنعت نفت - ۶۵۰۰۰ نفر- تعداد نمایندگان به ۶۵ تا ۷۰ نفر بالغ می‌شد. بنابراین نمایندگان حاضر در جلسه که ۸۳۰۰ تن از کارکنان ادارات مرکزی و شرکتهای وابسته را نمایندگی می‌کردند، با اکثریت آراء تصمیم گرفتند ۸ نفر را از میان خود برای شرکت در " شورای سراسری کارکنان نفت " انتخاب نمایند.

در پالایشگاه تبریز، شورای منتخب کارکنان پس از قیام، کنترل امور پالایشگاه را در دست گرفت

در نفت پارس، کارکنان پس از قیام یک شورای ۷ نفر تشکیل دادند. شورا ۷ کمیته را برای رسیدگی به مسائل مختلف کارگری سازماندهی و خواستههای کارگران را به این شرح اعلام نمود: ملی شدن پالایشگاه و الحاق آن به شرکت نفت، اخراج کارشناسان خارجی، اضافه حقوق برای کارگران، حق مسکن، کاهش کارمزد وام کارگری و تعیین محلی برای استقرار شورا. در مقابل کارشکنیها و سنگ اندازیهای دولت و ارگانهای مختلف بر سر تحقق خواستههای کارگران، شورا تصمیم گرفت فروش محصولات پالایشگاه را خود بعهده بگیرد، این تصمیم در مجمع عمومی به تصویب کارکنان رسید و مقرر شد پس از دریافت دستمزرها در اواخر خرداد ماه، جلو فروش گرفته شود. در سی و یکم خردادماه شورا از خروج و بارگیری نفت برای فروش جلوگیری کرده و تولیدات را در محل کارخانه انبار نمود. روز سوم تیرماه کارگران پرچم شرکت نفت را در نقاط مختلف پالایشگاه نصب نمودند و بر روی پارچه بزرگی نوشتند: " شرکت ملی نفت ایران - پالایشگاه کرج " این پارچه بر سر در پالایشگاه نصب شد، شورا دوتن از نمایندگان را مامور کرد برای الحاق این پالایشگاه به شرکت نفت، با شرکت نفت تماس بگیرند و اقدامات لازم را انجام دهند.

شورای کارکنان پخش صنعت نفت در زمره شوراهای بالنسبه قوی این رشته از صنعت بود. این شورا که ۱۲۰۰۰ تن کارکنان پخش را نمایندگی می‌نمود، بدنبال یکرشته درگیری با وزارت نفت، طی اقدام بی سابقه ای با صدور یک اطلاعیه، معین فر وزیر نفت را از وزارت نفت خلع کرد. شورای پخش در پانزدهم تیرماه ۵۹، پس از آنکه مجمع عمومی کارگران حکم پاکسازی و تعلیق ۱۰ تن از مدیران و روسای پخش را تصویب نمود، اطلاعیه ای در این زمینه صادر کرد. انعکاس این تصمیم گیری سبب شد معین فر حکم تعلیق ۱۰ تن از اعضای شورا را (که در اثر توهمات مذهبی کارگران و وجود عناصر مذهبی در آن شورای اسلامی کارکنان پخش نامیده می‌شد) صادر نماید. این عمل خشم کارگران را برانگیخت و شورا نه تنها بر اخراج ۱۰ مدیر نامبرده پای فشرده بلکه اطلاعیه ای صادر کرد و طی آن حکم خلع معین فر از وزارت نفت را اعلام نمود.

اگرچه کارکنان صنعت نفت، پیشتر ایجاد شوراها و کنترل کارگری برتولید بودند، اما پدیده شوراها و کنترل کارگری منحصر به این صنعت نبود، در آستانه قیام و پس از آن، در اکثریت قریب به اتفاق واحدهای صنعتی بزرگ و استراتژیک از جمله صنایع دفاع، راه آهن، ماشین سازیها، شرکت واحد و... شوراها تشکیل شدند. در این واحدها قدرت شوراها و میزان اعمال نفوذ آنان برتولید، مستقیماً با درجه سازمانیافتگی کمیته های اعتصاب، و وجود عناصر پیشرو و انقلابی ارتباط داشت. در راه آهن که قبل از قیام کمیته اعتصاب ازتوان و سازماندهی بالائی برخوردار بود و با تعطیل حرکت قطارهایی که محموله ها و افراد نظامی را حمل می‌کردند، قدرت

مضمون فعالیت خود کاملاً با شوراهای کارخانه یعنی ارگانهای کنترل کارگریهم مرز گشته بودند و جلوه های روشنی از کنترل کارگری در حرکات آنان مشهود بود. روز نوزدهم دیماه، کارکنان پالایشگاه های نفت تهران، شیراز، تبریز و کرمانشاه باتشکیل " سندیکای مشترک کارکنان صنعت نفت " کنترل اموردراین پالایشگاه ها را بدست گرفتند. آنها اعلام کردند آماده اند امر تولید نفت برای سوخت رسانی به مردم را پیش برند در صورتیکه: ۱- مقامات شرکت نفت و پالایشگاه ها در امور این واحدها هیچگونه دخالتی نداشته باشند (کنترل کامل اموریپالایش و توزیع و پخش و تخلیه مواد نفتی) ۲- قوای نظامی بهیچوجه در امور پالایشگاهها دخالت نکنند و از محل پالایشگاهها و مناطق نفت خیز خارج شوند. ۳- ارتش از نفت مصرفی مردم استفاده نکند و... رژیم ناگزیر شد بالجبار تمامی این شرایط را بپذیرد و کارگران با تمام قدرت کنترل پالایشگاهها را در دست گرفتند. از این زمان به بعد تشکلهای موجود در پالایشگاهها و منوسسات مختلف صنعت نفت باهرنامی که فعالیت کنند (در پالایشگاه آبادان و صنعت نفت اهواز با عنوان " کمیته اعتصاب " در پالایشگاههای تهران، شیراز، تبریز و کرمانشاه با عنوان " سندیکای مشترک ") مضمون عملکرد آنان شورانی است، کنترل تولید را در دست دارند و ظهور قدرت دوگانه را در واحدهای خود بنمایش می گذارند. پس از قیام، حمایت و پشتیبانی کارکنان صنعت نفت از شوراهای خود و موفقیت این شوراها در کنترل امور، قویترین شوراها را در این صنعت بوجود آورد. حرکاتی که از این پس در صنعت نفت صورت می گیرد، عموماً تحت رهبری شوراهاست. هرچند در این بخش سندیکاها نیز وجود داشتند و در برخی قسمتها بسیار فعال بودند، اما حرکات سیاسی حتی در آن قسمتها هم بسیار فعال بودند، حرکات سیاسی حتی در آن قسمتهایی که سندیکا فعال است باهمکاری نزدیک سندیکا و شورا و از طریق شوراها صورت گرفته است. شوراها اموریپالایشگاهها و سایر منوسسات وابسته به صنعت نفت را کنترل می کنند و پالایشگاه آبادان مرکز نقل این اعمال کنترل است.

در پالایشگاه آبادان پس از قیام، کمیته اعتصاب اداره امور پالایشگاه را بدست گرفت. " کمیته پاسداران صنعت نفت " که در جریان قیام برای حفاظت و نگهداری پالایشگاه، توسط کارگران نفت تشکیل شده بود. همچنان به فعالیت خود ادامه می دهد. از اوائل سال ۵۸، شورا جایگزین کمیته اعتصاب شد. کنترل اموریپالایشگاه توسط کارکنان تا اردیبهشت ۵۸ همچنان ادامه دارد در طول این مدت ۴۰ ساعت کار و ۲ روز تعطیل در هفته توسط شورا عملی می شود و شورا بسیاری از مدیران سرسپرده و ضد کارگری را اخراج می کند. در اردیبهشت ۵۸ با ورود مدیران جدید منتخب دولت و مورد تانید خمینی، کارکنان در اثر توهمات خود نسبت به حکومت جدید، قدرت را دودستی به دولت موقت تحویل می دهند و از این زمان نقش شورای کارکنان پالایشگاه آبادان از کنترل به نظارت تنزل می یابد.

در پالایشگاه تهران، پس از قیام، عناصر آگاه و کمونیست از سندیکای مشترک تصفیه شدند و سازشکاران و پیروان حکومت جای آنان را گرفتند. زمان کوتاهی لازم بود تا کارگران به مقابله با سندیکای قلابی برخیزند. در اواخر شهریور ۵۸، در اکثر قسمتهای پالایشگاه، کارگران شوراهای قسمتی را انتخاب کردند، سپس شوراهای پروسس، شوراهای متحدین و شورای تعمیرات در شورای هماهنگی تهران متشکل شدند. همزمان، در جلسه شورای کارکنان ادارات مرکزی و شرکتهای وابسته به صنعت نفت، تصمیم گرفته شد. " شورای کارکنان صنعت نفت " مرکب از نمایندگان کل کارکنان صنعت نفت تشکیل شود، قرار شد در ازای هر ۱۰۰۰ نفر، یک نماینده به شورا

تولید، و ایجاد قدرت دوگانه در کارخانه، گامی فراتر می‌گذارند و درصد ایجاد اتحاد شوراهای چندین واحد تولیدی و یا یک رشته صنعت برمی‌آیند. در صنعت نفت، شوراهای پالایشگاه‌ها، شوراهای کارکنان و سایر موسسات این صنعت، اقدامات گسترده‌ای برای تکامل شوراهای خود به شورای یک رشته صنعت، سازمان دادند

«اتحادیه شوراهای کارکنان صنایع گسترش ایران»

نمونه دیگری از حاصل تلاش‌های کارگران پیشرو و روشنفکران انقلابی در جهت ایجاد شورای چندین واحد تولیدی است. «صنایع گسترش ایران» ۱۳۵ کارخانه و واحد تولیدی و متجاوز از ۵۰ هزار کارگر و کارمند را تحت پوشش دارد، «اتحادیه شوراهای» این سازمان تا تیر ماه سال ۵۸ سه کنگره برگزار نمود، در این کنگره‌ها نمایندگان شوراهای کارخانه‌های مختلف تحت پوشش «سازمان صنایع گسترش» شرکت نمودند. در سومین کنگره «اتحادیه شوراهای» قریب ۲۰۰ نماینده از کارخانجات مختلف از قبیل ماشین سازی و آلومینیم سازی اراک، ماشین سازی، تراکتورسازی، موتورن، هاکسیران، دیزل و لیف تراک تبریز، چوب و کاغذ گیلان، کشتی سازی خلیج فارس، چیت سازی تهران، گونی بافی شاهی، سیمان ری، قند ورامین و ده‌ها کارخانه دیگر شرکت نمودند. این کنگره شورای مرکزی منتخب را موظف ساخت برای کارگران تحت پوشش، صندوق مشترک اعتصابات و صندوق بیمه بیکاری ایجاد نماید، در زمینه مسائل مربوط به روابط صنعتی و قوانین کار تحقیقات به عمل آورد. قراردادهای «سازمان گسترش صنایع» با شرکت‌ها، و سرمایه گذاری‌های خارجی و داخلی آن را بررسی نماید، در جهت تضمین شغلی برای همه اعضا و تامین نیازهای مادی و اجتماعی کارگران کوشش کند.

در شرق تهران نیز، شوراهای برخی از کارخانجات در «کانون شوراهای شرق تهران» متشکل شدند. این کانون جلساتی با شرکت نمایندگان شوراهای و سندیکاهای کارخانه‌های منطقه تشکیل می‌داد. در یکی از جلسات این کانون که در ۱۸ آذرماه سال ۵۸ تشکیل شد، ۵۰ نماینده از شوراهای و سایر تشکلهای کارگری حضور داشتند.

«اتحاد شوراهای گیلان»

ثمره دیگری از تلاش کارگران پیشرو برای ایجاد شوراهای سراسری بود. این «اتحاد» به ابتکار و با پیشقدمی شورای کارخانه پوشش رشت ایجاد شد. شورای پوشش رشت که برای تهیه وام جهت راه‌اندازی تولید و پرداخت حقوق معوقه کارکنان، با سنگ‌اندازی‌های استنادار و سایر مقامات دولتی روبرو شده بود، با انتشار اطلاعیه‌ای شوراهای کارگران سایر کارخانجات گیلان را در جریان مسائل و مشکلات خود قرار داد و دعوت به یک گردهمایی از نمایندگان شوراهای گیلان نمود. در پاسخ به این فراخوان نمایندگان ۱۸ شورای کارگری در نخستین جلسه شرکت نمودند. این اجلاس با رد طرح سود ویژه دولت، حداقل سود ویژه برای هر کارگر را ۱۰ هزار تومان تعیین نمود. به تدریج شوراهای دیگری به این «اتحاد» ملحق شدند و این «اتحاد» بیش از ۳۰ کارخانه با قریب ۲۰ هزار کارگر را تحت پوشش خود گرفت. «اتحاد شوراهای گیلان» نمایندگان را برای مذاکره بر سر میزان سود ویژه و سایر مسائل به تهران فرستاد تا با استنادار مذاکره و در کنگره سراسری شوراهای اسلامی شرکت نمایند. «اتحاد شوراهای گیلان» سپس یک مهلت ۵

تحرك رژيم را فلج کرده بود، برخی از مدیران را اخراج کرده بود و آذوقه و نفت مورد نیاز مردم را علیرغم کارشکنیهای دولت حمل می نمود، پس از قیام، کارکنان راه آهن کنترل امور را با تشکیل شورا، در دست گرفت، در طول مدتی که شورا کنترل امور را در دست داشت، راندمان کار ۱۰٪ افزایش یافت.

از جمله دیگر کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی که تا مدتی پس از قیام، کارگران کنترل تولید را در دست داشتند، می توان به تراکتورسازی تبریز، کشت و صنعت کارون، پوست و چرم لرستان، پارسیلون خرم آباد، کارخانه صنعتی آژور، کارخانه جنرال تهران، کبریت سازی توکلی تبریز، و بسیاری از کارخانه‌های آجرماشینی و یا کوره پزخانه‌ها در تهران و شهرستان‌ها اشاره کرد. در تمامی این واحدها، شورا در اداره امور کارخانه، در برخورد با مقاومت دولتی و تصمیم گیری بر سر چگونگی تهیه مواد اولیه، تولید و فروش محصولات، به کارگران متکی است. شوراهای در برخورد به مسائل گوناگون ایتکارات و خلاقیت عظیمی بروز می دهند. تجربه کنترل کارگری تولید، کارگران را به مدافعان سرسخت نهاد شورا و نمایندگان واقعی شورا تبدیل می کند. در این دسته از کارخانه‌ها، هرتهاجم رژیم به دست آوردهای کارگران، هر تلاشی برای از میان برداشتن شورا و یا دستگیری نمایندگان، واکنش یکپارچه و شدید کارگران را در پی دارد. کارگران نسبت به تعلیق، اخراج و دستگیری پیشروان خود که در پیچه های دنیای تازه ای را بروی آنان گشوده اند، شدیداً حساس هستند و با اعتراضات دسته جمعی خود در موارد بسیار حکومت را ناگزیری می سازند دست از تعقیب و آزارنمایندگانشان بردارند.

همانگونه که گفتیم در آستانه قیام، جنبش شورانی اوج خاصی گرفت، نمونه های زنده و ارزنده ای از شوراهای که کارگران نفت و سایر صنایع کلیدی عرضه نمودند، بشدت مورد استقبال کارگران سایر واحدها قرار گرفت و فعالیت آگاه گرانه کمونیستها و نیروهای انقلابی، بویژه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، محبوبیت شوراهای را در نزد کارگران افزایش داد. اما کارگران با وجود ابراز اشتیاق به تشکیل شوراهای و اقدام مشخص برای تشکیل شورا، به تناسب سطح آگاهی خود از مضمون فعالیت شورا، دستیابی به مطالب مشخص را در مقابل آن قرار می دهند. اگر کارگران بالنسبه آگاه کارخانه های صنعتی بزرگ، شورا را به اهرمی برای اعمال اراده خود در کارخانه تبدیل می کنند و دست به اعمال کنترل کارگری می زنند، در بسیاری از واحدهای کوچک یا حتی در واحدهای بالنسبه بزرگی که سطح آگاهی کارگران پائین است، شورا تشکیل می شود. اما کارگران درک روشنی از کاربرد آن ندارند، در برخی از این واحدها مانند شرکت خدمات فنی نواسا، فامبتون و چیت سازی تهران، وظیفه نظارت بر تولید به عهده شورا گذارده می شود و در تعداد زیادی از واحدها، صرفاً پیشبرد مطالبات صنفی و اقتصادی در دستور کار شورا قرار می گیرد، در این واحدها کارگران در واقع از تشکیل شورا، دست یابی به خواستههای اقتصادی و رفاهی را مدنظر دارند و از شورا، سند یکارا برداشت می کنند. در برخی از واحدها، کارگران به دلیل ناآگاهی عوامل و عناصر ضد کارگر را که به اصطلاح سروربان دارند، به نمایندگی انتخاب می کنند، در مواردی در اثر توهمات مذهبی خود و اعتماد به حکومت، " شورای اسلامی " تشکیل میدهند و برای رسیدن به مطالبات خود، دست به دامان دولت می شوند.

اما به هر رو و علیرغم تمام این مسائل، پس از قیام در نزد کارگران صنایع بزرگ و کلیدی، شورا نام آشنایی برای اقدام مستقل کارگری، در دست گرفتن ابتکار عمل و اعمال قدرت کارگری در کارخانه است. در برخی از رشته‌های صنعت، شوراهای علاوه بر کنترل کارگری بر

خواست‌ها، کلیه ادارات، نهادها و موسسات دولتی و خصوصی می‌بایست به شکل شورایی اداره شوند و این شوراها با تشکیل دادگاه‌های انقلاب اداری، شناسایی و دستگیری و محاکمه عناصر فاسد و سرسپرده را پیش خواهند برد. شوراهای نهادها و موسسات دولتی و خصوصی در طول حیات کوتاه خود، توانستند بخش اندکی از مطالباتشان را تحقق بخشند و در مواردی مسئولین و مقامات، عناصر سرسپرده و ساواکی را افشاء و طرد نمودند.

با اوج‌گیری مبارزات توده‌ها در آخرین ماه‌های سال ۵۷، تب و تاب انقلاب به پادگان‌ها و سربازخانه‌ها نیز رخنه کرد. سربازان و پرسنل انقلابی دیگر حاضر نبودند به قوانین ارتش رژیم شاه تن دهند و نقش سرکوبگر توده‌های مردم را بازی کنند. در اواخر دی ماه به ویژه پس از فرار شاه، حمایت پرسنل انقلابی و مبارز نیروهای مسلح از مبارزات توده‌ای وسعت گرفت و در درون ارتش موارد متعددی از تحصن، شورش علیه فرماندهان و مواردی از ترور فرماندهان به دست سربازان و درجه‌داران به وقوع پیوست. سربازان و درجه‌داران نیروهای مسلح در آستانه قیام و در نخستین روزهای پس از آن، کمیته‌ها و شوراهای انقلابی خود را برپا کردند. در روز سیام بهمن ماه ۵۷ درست چند روز پس از قیام و کمیته انقلابی همافران، افراد و افسران نیروی هوایی در نامه‌ای به نخست وزیر وقت بازرگان خواست‌های پرسنل نیروهای هوایی را به شرح زیر اعلام نمود: «گزینه دمکراتیک فرماندهان قابل اعتماد، به کار فراخواندن پرسنل نیروی هوایی که در رژیم شاه اخراج شده‌اند، انحلال واحدهای ضد اطلاعات، لغو اطاعت کورکورانه در ارتش، اخراج کلیه مستشاران خارجی، حق شرکت در انتخابات، آزادی قلم و بیان و...»

همچنین پرسنل انقلابی نیروهای مسلح در روز ۱۷ اسفند ۵۷، طی میتینگی در دانشگاه صنعتی تهران، خواست‌های پرسنل ارتش را اعلام کردند. این خواست‌ها عبارت بودند از: ۱- طرد و محاکمه عناصر مزدور ارتش و انحلال ضد اطلاعات ۲- متعادل کردن تعداد پرسنل ارتش، لغو خدمت اجباری و داوطلبی کردن خدمت در ارتش ۳- لغو کلیه قوانین ضدانقلابی، تدوین قوانین انقلابی ۴- بازآموزی پرسنل ارتش ۵- اخراج کلیه مستشاران خارجی.

اگرچه تحت فشار مبارزات پرسنل انقلابی ارتش و جو انقلابی حاکم بر جامعه، رژیم ناگزیر شد، تعدادی از مهره‌های سرسپرده و منفور ارتش را از کار برکنار کند و یا با جابجانی آنان، آتش خشم پرسنل انقلابی را فرونشاند، اما اهمیت حفظ سیستم ارتش شاه، سبب گشت رژیم تمام تلاش خود را برای درهم شکستن شوراها و کمیته‌های سربازان و درجه‌داران به کار بندد. انحلال شوراها، دستگیری نمایندگان شوراها و کمیته‌ها و پرسنل انقلابی ارتش همگی ابزاری بودند تا زمینه بازسازی ارتش ضدخلفی را مهیا نمایند.

شوراهای دهقانی

«ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا» مظهر پرافتخار حاکمیت

شورائی خلق ترکمن

با گسترش دامنه اعتلای انقلابی و فرا رسیدن موقعیت انقلابی، دهقانان نیز با تاخیر، پای به میدان مبارزه گذاردند و با شعار مصادره زمین‌های متعلق به فئودال‌ها و بورژوا-ملاکین، در جهت تحقق مطالبات خویش به عمل مستقیم انقلابی روی آوردند.

رژیم جمهوری اسلامی پس از کسب قدرت سیاسی، حمایت همه جانبه خود از خان‌ها و ملاکین را به دهقانان زحمتکش آشکار

روزه را برای موافقت با خواست کارگران توسط استاندار تعیین نمود و سرانجام در تاریخ ۱۴ اسفند ماه کلیه کارخانجات تحت پوشش آن، از خروج تولیدات از کارخانجات جلوگیری نموده و وارد اعتصاب شدند. «اتحادیه شوراهای گیلان» برای تداوم بخشیدن به حرکت و جلب حمایت کارگران تصمیم گرفت میتینگی در زمین ورزشی تختی شهر رشت با شرکت کلیه کارگران کارخانه‌های تحت پوشش برگزار نموده و نتیجه اقدامات خود و عکس‌العمل مقامات استان را اعلام نماید. این حرکت، موج وسیعی از حمایت کارگران سایر کارخانه‌ها را برانگیخت و در نتیجه، در همان نخستین روزهای اعتصاب، کارگران حدود ۵۰ کارخانه از اعتصاب در واحدهای تحت پوشش «اتحادیه شوراهای گیلان» حمایت و پشتیبانی نمودند.

جنبش شورایی در انقلاب ۵۷، یک جنبش توده‌ای بود و به کارخانه‌ها محدود نمی‌شد. محلات، موسسات دولتی و خصوصی و ارتش، عرصه‌های دیگر اعمال قدرت توده‌ای و رشد جنبش شورایی بودند. ایجاد ارگان‌های اقتدار توده‌ای در محلات، که به نام کمیته‌های محلی فعالیت می‌کردند، به اوایل دی ماه ۵۷ برمی‌گردد. کمبود سوخت و کالاهای اساسی مورد نیاز توده‌ها، زمینه ابتدائی شکل‌گیری این کمیته‌ها بودند، از دی ماه کمیته‌های محلی در مناطق مختلف تهران و شهرستان‌ها امر توزیع نفت و مواد غذایی و در مواردی حفاظت و تامین امنیت را به عهده گرفتند. وظیفه دیگری که کمیته‌های محلی در برابر خود قرار داده بودند، تامین وسایل و مایحتاج بهداشتی و درمانی برای کمک به مجروحین و مصدومین تظاهرات ضد رژیم و مساعدت به مجروحین بود، کمیته‌های محلی در برخی مناطق در سطح شهر و شهرستان عمل می‌کردند و کنترل امور منطقه را به عهده گرفته بودند. در تهران، زنجان، دامغان، اسفراین، سقز، اقلید، دزفول، آمل، چالوس، قصرشیرین و... کمیته‌های محلی نمونه‌های برجسته‌ای از خلاقیت توده‌ای را ارائه دادند. در سقز، در اوایل بهمن ماه، شورای اجتماعی این شهر، تامین امنیت شهر، را به دست گرفت و حفظ انتظامات و تحویل نفت به منازل را بر عهده جوانان شهر قرار داد. در برخی از مناطق تهران، در اقلید، آمل، چالوس، قصر شیرین، دامغان و... کمیته‌ها اداره امور شهر، حفظ امنیت و انتظامات شهر را بر عهده گرفتند. پس از قیام کمیته‌های محلی، به دلیل ترکیب خرده‌بورژوازی و نفوذ هواداران رژیم در آن، در زمره نخستین تشکلهای توده‌ای بودند که به تسخیر حکومت جمهوری اسلامی درآمدند. این کمیته‌ها بعدها با نام «کمیته‌های انقلاب اسلامی» به جزئی از دستگاه سرکوبگر رژیم تبدیل شدند.

آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، ادارات، موسسات دولتی و خصوصی، سنگرهای دیگر جنبش شورایی بودند. در اکثریت قریب به اتفاق این مراکز، توده‌ها خواهان اداره امور، تصفیه عناصر ساواکی و سرسپرده و تعیین خط مشی توسط کارکنان شدند. در برخی از این مراکز همانند بانک مرکزی، گمرک، سازمان بنادر و کشتیرانی، سازمان غله و قند و شکر، هما و هواپیمایی کشوری شورا و یا تشکلهایی که به نام دیگری اما با مضمون شورایی فعالیت می‌کنند، قبل از قیام تشکیل شدند. از جمله کارکنان بانک مرکزی قبل از قیام برای کنترل عملیات بانکی «شورای نظارت» تشکیل داده بودند و کارکنان وزارت بهداشتی، وزیر بهداشتی کابینه بختیار را عزل، و کمیته‌ای مرکب از نمایندگان منتخب خود را مأمور انجام وظائف وزیر نموده بودند. کارمندان و کارکنان موسسات دولتی و خصوصی، به دلیل سطح آگاهی نسبی‌شان از سازمانیافتگی بالنسبه محکمی برخوردار بودند و در نخستین روزهای پس از قیام «شورای هماهنگی سازمان‌های خصوصی و دولتی» در ملاقات با بازرگان نخست وزیر، خواست‌های آنان را به وی اعلام نمود. بر اساس این

عملی ساختن یک نمونه پراتیک اعمال قدرت توده‌ای، شور و شوق دهقانان زحمتکش در سایر مناطق ایران برای ایجاد شوراهای گسترش دهد. «ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا» نه تنها خود در برابر حکومت قد برافراشته بود بلکه با دستاوردهای عظیم خود، روستائیان سایر مناطق را نیز به کشت شورانی، به اعمال حاکمیت توده‌ای، به خلع ید از بورژوا- ملاکین و حامیان آنان فرامی‌خواند. بنابراین رژیم با کلیه قوا و با کلیه وسائل ممکن، برای از میان برداشتن آن دست به کار شد. تحمیل دو جنگ به خلق ترکمن، ترور رهبران و سبیل‌های شوراهای خلق ترکمن، رفقای فدائی توماج، مخنوم، جرجانی و واحدی نمونه‌های این تلاش‌های جنایتکارانه برای تلافی شوراهای ترکمن صحرا بود. این تلاش‌های جنایت کارانه ادامه داشت، اما نمی‌توانست از اوج‌گیری جنبش شورانی در روستاهای سایر مناطق جلوگیری کند. در کردستان، در روستاهای اطراف قم، در خراسان، توابع یزد، گیلان، مازندران، شهرکرد، ارومیه، ایرانشهر و... شوراهای روستائی پدید می‌آمدند، زمین‌های ملاکین را مصادره می‌کردند و اتحادیه شوراهای روستائی را تشکیل می‌دادند.

دهقانان زحمتکش کردستان نیز نمونه‌های ارزنده‌ای از شکل‌های شورانی و اتحادیه شوراهای روستائی را ایجاد کردند. این شوراهای علاوه بر مصادره انقلابی زمین‌های ملاکین، خواستار خودگردانی مناطق کردستان توسط توده‌های مسلح بودند و در مواردی این خودگردانی را عملی ساختند.

شوراهای دهقانی روستاهای خراسان، که در اواخر سال ۵۸ شکل گرفتند، نمونه دیگری از کشت شورانی را ارائه دادند. اگر در بسیاری مناطق، دهقانان زحمتکش، پس از مصادره زمین‌های بزرگ، آن‌ها را میان خود تقسیم می‌کردند، در این منطقه روستائیان با تصرف زمین‌ها، به کشت دسته جمعی پرداختند. شورای روستا بر کشت و برداشت محصول کنترل اعمال می‌کند و مبنای تقسیم محصول، میزان کاری است که هر روستائی در جریان کاشت و برداشت، انجام داده است. دهقانان زحمتکش روستای حکیم آباد و روستاهای اطراف برای تضمین پایداری حرکتشان، و برای جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی ملاکین از تضادهای قومی و در جهت از بین بردن تبعیضات قومی، در اتحادیه شوراهای خود، از هر ملیت (کرد، ترک، بلوچ) به تعداد مساوی نمایندگانی را برمی‌گزینند. جنبش شورانی در روستاهای علیرغم محدود بودن سطح آگاهی دهقانان به نسبت کارگران، اما بر اساس نیاز مشخص و روزمره پیشبرد امور خود، نمونه‌های بیشتری از اتحاد شوراهای را ایجاد می‌نمایند. در ترکمن صحرا، در کردستان، شهرکرد، تنکابن و توابع رودبار، سانج و توابع یزد، بابل، ایرانشهر، ارومیه، کهک و قم رود، حکیم آباد و روستاهای اطراف در خراسان، اتحاد شوراهای دهقانی ایجاد می‌شود.

بر اساس نمونه‌ها و تجربیات مشخصی که از تشکیل شوراهای کارخانه‌ها، روستاها، محلات و نیروهای مسلح و اعمال کنترل کارگری و توده‌ای ذکر شد، نتیجه می‌گیریم، طبقه کارگر و توده‌های مردم ایران در انقلاب ۵۷، شکل نوینی از حاکمیت توده‌ای را در اشکال نطفه‌ای تجربه کردند و در این تجربه، دستاوردها و آموزش عظیمی کسب نمودند. اینک تجربه جنبش شورانی به یک واقعیت تاریخی در مبارزات کارگران و زحمتکشان شهر و روستا تبدیل شده است. هرچند شوراهای در انقلاب بهمن، مجال نیافتند که مراحل تکاملی خود را از سر بگذرانند، اما برپائی شوراهای در همان اشکال نطفه‌ای، این حقیقت را به اثبات رساند که اگر توده‌های مردم ایران در بهمن ۵۷، به ماشین دولتی بورژوازی تعرض کردند، در جهت

ساخت. ملاکین تحت حمایت روحانیون دست اندرکار حکومت، و در معیت ژاندارمری و سپاه پاسداران، یورش به دهقانان و بازپس‌گیری زمین‌های مصادره شده را آغاز نمودند. تشکیل شوراهای دهقانی اساساً پس از قیام بهمن و انگیزه مقابله با ملاکین است که آغاز می‌شود. از این زمان شوراهای روستائی و اتحادیه این شوراهای یکی پس از دیگری شکل می‌گیرند و ترکمن صحرا قلب تپنده این جنبش شورانی است.

پس از قیام، رژیم جمهوری اسلامی به سرعت چهره ضد دموکراتیک خود را به دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا نشان داد. آنان در همان نخستین روزهای حاکمیت جمهوری اسلامی به عینه دیدند که در اوضاع تغییری حاصل نشده و همان عناصر و عوامل رژیم سابق این بار به همراهی روحانیون مرتجع، همه ارگان‌های قدرت سیاسی و دستگاه اداری و انتظامی در ترکمن صحرا را قبضه کرده‌اند. عناصر آگاه و انقلابی ترکمن و زحمتکشان ترکمن در مقابله با این شرایط، به سازماندهی و تشکل خود پرداختند. در ۲۶ بهمن ۵۷، «کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن» تشکیل شد. با تشکل انقلابیون و زحمتکشان ترکمن در این کانون، مصادره زمین‌های بزرگ و تشکل شوراهای روستائی در سرتاسر ترکمن صحرا آغاز شد. شوراهای اتحادیه‌های شورانی متمرکز شدند و یک ماه بعد، «ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا» تشکیل شد. «ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا» بمثابة ارگان مرکزی حاکمیت شورانی از اعتماد عمیق زحمتکشان ترکمن برخوردار شده بود. جنبش شورانی در میان خلق ترکمن روزبروز گسترش بیشتری می‌یافت و حاکمیت شورانی عرصه‌های جدیدی را درمی‌نوردید. و کلیه اراضی زمینداران بزرگ و درباریان شاه مصادره شده و توسط دهقانان زحمتکش به شیوه شورانی کشت و برداشت می‌شد. در شهرها، شوراهای محلی با شرکت فعال توده‌ها تشکل شده بود، صیادان ترکمن صحرا در شوراهای خود متشکل شده بودند، تشکل‌های دموکراتیک معلمان، دانش آموزان، زنان، کارگران و نیز کانون‌های فرهنگی و هنری و شبکه کتابخانه‌های محلی و روستائی و... بخش عظیمی از نیروهای آگاه و مبارز و زحمتکشان ترکمن را متشکل می‌نمود. تمام این تشکل‌ها، تحت رهبری «ستاد مرکزی شوراهای» قرار داشتند. زحمتکشان ترکمن، رهبران حقیقی خود را در این «ستاد» یافته بودند، ارگان‌ها و نهادهای حکومت مرکزی در میان زحمتکشان ترکمن کوچک‌ترین پایگاهی نداشتند، در ترکمن صحرا عملاً قدرت دوگانه شکل گرفته بود. «ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا» با معمول داشتن کشت شورانی، با کنترل امور در منطقه، با سازماندهی منسجم شوراهای و اتحادیه‌های شورانی و با غلبه بر تحریکات ملاکین برای نفاق افکنی میان ترکمن و زابلی‌ها، نمونه بسیار برجسته‌ای از شوراهای اعمال حاکمیت توده‌ای را ایجاد نموده بود. «ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا» در مقابل حکومت مرکزی، عملاً قدرت دیگری ایجاد کرده بود. قدرتی که نه متکی بر قانون صادره از طرف قدرت مرکزی دولتی بلکه به ابتکار بلاواسطه توده‌ها از پائین متکی بود. قدرتی که منبع آن، اعمال اراده توده‌هاست و خود کارگران و دهقانان مسلح از آن محافظت می‌کنند. «ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا» به نحو روزافزونی عموم زحمتکشان ترکمن را به عرصه زندگی اجتماعی و مداخله مستقیم در امور سوق می‌داد. «ستاد شوراهای» با عملی ساختن اعمال قدرت توده‌ای، به دهقانان زحمتکش و سایر زحمتکشان خلق ترکمن امکان می‌داد در جریان زندگی بیاموزند، در مورد سرنوشت خود تصمیم بگیرند و سیاست و زندگی روزمره را یکی سازند. همین عوامل سبب شده بود تجربه شوراهای ترکمن صحرا در سراسر ایران دهان به دهان بگردد و با

بررسی‌های صورت گرفته از سوی اتحادیه کارگران قراردادی نرخ سبد هزینه خانوار کارگری امسال ۹۰۰ هزار تومان برآورد شد.

فتح الله بیات در گفتگو با ایلنا، از افزایش ۲۰ تا ۵۰ درصدی اقلام مصرفی خانوار در سال جاری خبر داد و گفت: نرخ سبد هزینه خانوار امسال ۲۰۰ هزار تومان افزایش یافته است.

او با اشاره به افزایش نرخ خط فقر در پی اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها یاد آور شد: در حال حاضر ۸۰ درصد از جامعه کارگری کشور زیر خط فقر گذران معیشت می‌کنند.

رئیس اتحادیه کارگران پیمانی و قراردادی کشور در ادامه با اشاره به افزایش نرخ خط فقر در بین جامعه کارگری خواستار افزایش حمایت‌های دولت از این گروه شد و گفت: به دلیل اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها کارگران در تامین معیشت خود با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده‌اند.

بیات با بیان اینکه کارگران قراردادی حداقل دستمزد مصوب در شورای عالی کار را دریافت می‌کنند تصریح کرد: دستمزد کارگران روزمزد به دلیل نامتعارف بودن عرضه و تقاضا به راحتی بالا و پایین می‌رود و اگر اعتراضی هم در این زمینه داشته باشند بیکار می‌شوند.



۶۰ درصد از کارگران قانونی در محدوده خط مرگ زندگی

میکنند

به نقل از همشهری آنلاین:

یک فعال کارگری اعلام کرد: در حال حاضر با تصویب دستمزد ۳۹۰ هزار تومانی ۶۰ درصد از کارگران قانونی زیر خط بقاء (خط مرگ) قرار دارند.

فرامرز توفیقی در گفتگو با ایلنا ضمن بیان اینکه بیش از ۶۰ درصد از کارگران قانونی کشور پایه دستمزد دریافت می‌کنند، تصریح کرد: کارگران برای فاصله گرفتن از خط بقا و رسیدن به خط فقر شدید به شغلی‌های دوم و سوم روی آورده‌اند.

او با اشاره به افزایش نرخ خط فقر تصریح کرد: به دلیل افزایش نرخ اقلام مصرفی سبد هزینه خانوار کارگری، نرخ خط فقر از یک میلیون و ۲۵۰ هزار تومان در سال ۹۰ به یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان افزایش یافته است و با توجه به این که نرخ خط فقر شدید ۷۰۰ هزار تومان برآورد می‌شود طبق مصوبه مزدی در سال ۹۱ کارگرانی که پایه دستمزد دریافت می‌کنند زیر خط فقر شدید در محدوده خط بقاء (خط مرگ) گذران معیشت می‌کنند.

عضو کمیته مزد با اشاره به بلاتکلیفی کارفرمایان و کارگران در سال جاری تصریح کرد: کارفرمایان به علت اعمال سیاست‌های تحریم نگرانی از فاز دوم اجرای قانون هدفمندی و عدم ارائه بسته‌های حمایتی در بلاتکلیفی کامل به سر می‌برند. در صورتی که دولت از ارائه بسته‌های حمایتی خودداری کند در سال جاری با بحران بیکاری مواجه خواهیم شد.

او افزود: عدم پرداخت مزد عادلانه موجب شده است که کارگران به دنبال لقمه‌ای نان برای سیر کردن خانواده‌هایشان بیشترین ساعات عمر خود را در محیط کار به سر ببرند و در شرایطی که انواع وام‌ها

انهدام آن گام برداشتند و از چارچوب نظم موجود فراتر رفتند، با دولت جایگزین آن چندان هم بیگانه نیستند. آنان با تعرض به ارگان‌های اقتدار بورژوازی، به برپایی ارگان‌های اقتدار توده‌ای یعنی شوراهای روی آوردند. علیرغم آن که انقلاب ۵۷، این شکل نوین را نطفه‌ای و بلوغ نیافته به مصنه ظهور رساند و علیرغم آن که این شوراهای هنوز با شوراهای نمایندگانی بمثابه ارگان‌های اعمال حاکمیت توده‌ای بسیار فاصله دارند، اما بدون تردید خود انقلاب، و پراتیک مشخص توده‌ها در جریان برپایی شوراهای، سطح آگاهی و شناخت آنان را افزایش داده است. طبقه کارگر در شوراهای نطفه‌ای سال ۵۷، با کنترل کارگری و کنترل توده‌ای آشنا شد و به قدرت لایزال خود پی برد. قطعا در انقلاب فرا روی، طبقه کارگر به اتکاء درس‌های فراوانی که در مکتب انقلاب آموخته است، تجارب و آموخته‌های خود را در عمل مستقیم انقلابی بسط خواهد داد و ارگان‌های اعمال حاکمیت خود را این بار با کیفیتی نوین ایجاد خواهد نمود. اگر انقلاب ۵۷ و جنبش شورانی این انقلاب، هنوز به برخی سازمان‌ها نیاموخته است که برای کارگران ایران، ارگان‌ها و موسسات بورژوازی و پارلمان بورژوازی امری سپری شده و مربوط به اعصار گذشته است، اینان در انقلاب فرا روی خواهند دید که طبقه کارگر در مقابل تلاش‌های بورژوازی برای حفظ حکومت کهنه شده بورژوازی، حکومتی از طراز نوین، از طراز شوراهای ایجاد می‌نماید و مبلغین امروزی نهادهای بورژوازی را ناگزیر خواهد ساخت که بر مزار ارگان‌های کهنه شده و ارتجاعی مطلوب خود اشک بریزند.

(*) نمونه‌ها و فاکت‌های ارائه شده در این نوشته، عموماً بر مبنای اخبار و گزارشات مندرج در نشریه کار، ارگان سازمان در سال‌های ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ تهیه شده‌اند، روشن است که بدلیل وسعت جنبش شورانی، نشریه کار در آن زمان نمی‌توانست نحوه تشکیل و چگونگی فعالیت کلیه شوراهای منعکس نماید

برگرفته از نشریه کار شماره ۲۳۰ بهمن ماه ۱۳۶۷



اخبار کارگری

۸۰ درصد جامعه کارگری زیر خط فقر قرار دارند

به نقل از همشهری آنلاین:

رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی با اعلام اینکه در حال حاضر ۸۰ درصد جامعه کارگری زیر خط فقر قرار دارند، گفت: طبق

را از بانکها دریافت کرده اند ناچارا برای حفظ آبرویشان بیش از حد کار کنند.



آزادی ابراهیم مددی، فعال کارگری

کلمه: ابراهیم مددی عضو هیأت مدیره و نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد پس از تحمل سه و نیم سال حبس آزاد شد. تعدادی از کارگران و اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد برای اعلام همبستگی و تاکید بر خواست های کارگران شرکت واحد با پوشیدن لباس کار متحدالشکل شرکت واحد در مراسم استقبال حضور یافتند. سپس تعداد دیگری از کارگران و آشنایان نیز با در دست داشتن شاخه های گل سرخ در منزل ابراهیم مددی حاضر شدند و با شادباش و تبریک گل های خود را به وی تقدیم کردند.

احضار و تهدید فعالان کارگری در آستانه روز جهانی کارگر

کلمه : در آستانه روز جهانی کارگر و در حالی که دولت هنوز درخواست مجوز خانه کارگر برای راهپیمایی در این روز پاسخ نداده است، گزارش های رسیده به کلمه حاکی از افزایش فشارهای امنیتی بر فعالان کارگری است.

بر اساس این گزارش ها، با نزدیک شدن به یازدهم اردیبهشت – روز جهانی کارگر – نهادهای امنیتی شماری از فعالان کارگری را

احضار و تهدید کرده اند که در آن روز هیچ فعالیتی نداشته باشند.

به گزارش کلمه، گروهی از فعالان کارگری نیز از تماس های تهدیدآمیز ماموران امنیتی خبر داده اند و می گویند حاکمیت نگران است که گسترش اعتراضات کارگری در روزهای آینده به نوعی تقابل با حاکمیت در روز جهانی کارگر منتهی شود.

در همین راستا، امروز وزیر کشور دولت احمدی نژاد از درخواست کارگران برای تجمع در روز جهانی کارگر ابراز بی اطلاعی کرد، و این در حالی بود که در یک هفته گذشته نه تنها تیتراژ بسیاری از مطبوعات و سایتهای خبری به تلاش برای اخذ مجوز راهپیمایی روز جهانی کارگر اختصاص یافت، بلکه تعدادی از نمایندگان مجلس نیز از دولت خواستند به درخواست مجوز کارگران پاسخ مثبت بدهد؛ درخواستی که اکنون وزیر کشور از اصل وجود آن ابراز بی اطلاعی کرده است!



**با امید به کسب قدرت همه کارگران و
زحمتکشان هم در تولید و هم در سیاست**

Weblog: controlkargari.wordpress.com

E-mail: control.kargari@gmail.com

زنده باد سوسیالیسم